

ارزیابی انتقادی گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار

مهدی سعادت‌ی خمسه* - دکترای معماری از آکادمی ملی علوم آذربایجان، عضو هیئت علمی دانشگاه شمال، آمل، ایران.

A Critical Review of Tendency towards the Western Architecture in Palaces of Qajar Era

Abstract

Qajar architecture is considered as the historic season of Iranian architecture regarding the separation from the past traditions and keep pace with the achievements of the Western civilization. Qajar palaces, as the most progressive architectural works to attract the transformations of architecture in their era, played a vital role to change the values of Iranian architecture. This article investigates the tendency towards the Western architecture in palaces of Qajar Era and is looking for to evaluate the quiddity of this tendency from a critical view. The method in this research is case studies and combined strategies and the data collection has been prepared through the literature review and fieldwork. Research findings show that Qajar government did not have significant emphasis on gaining the technological and structural advances of the West and Qajar kings were limited and satisfied with superficial shifts to cover the weaknesses of their government. This approach, which rose to its peak at the late Naserid period, without having any concern for the evolution of the ancient patterns of Iranian architecture, finally weakened historical architectural traditions and caused to appearance of the completely alien and unfamiliar royal palaces in Iran.

Keywords: Iranian architecture, Western architecture, tendency, tradition and modernity, Qajar palaces.

چکیده

معماری قاجار فصل تاریخی معماری ایران در گسست از سنت‌های پیشین و همگام شدن با ره‌آوردهای تمدن غرب محسوب می‌شود. کاخ‌های این دوره، به واسطه پیشرو بودن در انعکاس تحولات معماری عصر خویش، مهم‌ترین نقش را در انجام این دگردیسی ایفا کردند. این پژوهش به بررسی و نقد گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار پرداخته و در پی ارزیابی چپستی و چگونگی این گرایش از منظری انتقادی است. از روش تحقیق نمونه موردی و راهبردهای ترکیبی استفاده شده و گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی میسر شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت قاجار تاکید چندانی بر کسب پیشرفت‌های تکنولوژیک و سازه‌ای معماری غرب و انطباق آن با شیوه‌های سنتی معماری ایران نداشت و بر اخذ مظاهر مادی آن تمدن اصرار می‌ورزید. این رویکرد، که در اواخر دوره ناصری به اوج خود رسیده بود، موجب پیدایش بناهای سلطنتی کاملاً بیگانه در معماری ایران شد.

واژگان کلیدی: معماری ایران، معماری غرب، گرایش، سنت و تجدد، کاخ‌های قاجار.

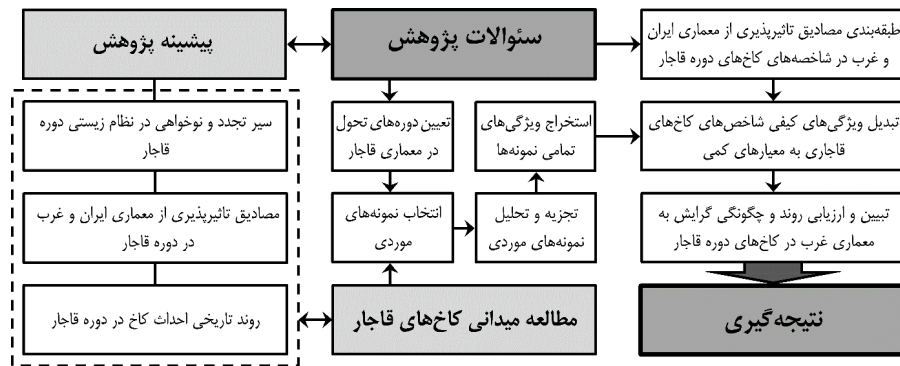
* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۹۳۱۴۱۶۳۵، رایانامه: mhd.saadati@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان «پژوهشی بر معماری داخلی دوره قاجار (خانه‌ها، کاخ‌ها و مساجد شاهی)» به راهنمایی پروفسور شامل فتح‌الله‌یف است که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۳۰ از آن دفاع شده است.

شکل‌گیری معماری قاجار است؛ لیکن به واسطه نفوذ معماری غرب به تدریج سبک تلفیقی و سپس فرنگی به سبک‌های رایج در معماری ایران تبدیل شدند (Ghobadian, ۲۰۰۴, ۲۴۵). بانی مسعود نیز معماری قاجار را به نوعی تداوم‌دهنده مبانی و الگوهای قدیم معماری ایران می‌داند؛ لیکن بر این عقیده است که معماری دورگه و التقاطی قاجار به واسطه دوری از مبانی معماری مدرن و نگاه نسبتاً سطحی و ناخودآگاه جامعه به سنت‌های معماری گذشته توانایی خلق معماری نوینی را نداشت (Bani Masoud, ۲۰۱۱, ۷۴-۷۵). فتح‌الله‌یف نیز، که بناهای اروپای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را آثار اولیه معماری مدرن می‌داند، از منظری دیگر، آثار معماری دوره قاجار را تجلی متفاوت و دارای رنگ و بوی ایرانی شروع مدرنیزاسیون در معماری ایران می‌داند (Fatullayev, ۲۰۱۳, ۲۲۷). اکثر این آراء بر این نکته اشاره دارند که عصر قاجار دوران تضعیف سنت‌های تاریخی معماری ایران و توسعه و رواج معماری غرب در ایران است. با این حال بررسی و نقد آراء مربوط به شکل‌گیری تجدد و نوخواهی در معماری قاجار دغدغه اصلی این پژوهش نیست و مسئله اصلی آن تبیین مصادیق، مؤلفه‌ها و روند تاثیرپذیری از معماری غرب در بناهای این دوره، به خصوص کاخ‌ها، است که در حد کفایت به آن پرداخته نشده است. پرسش‌های پیش روی این پژوهش عبارتند از:

۱. به چه مواردی می‌توان به عنوان مصادیق گرایش به معماری غرب در دوره قاجار اشاره کرد؟
 ۲. روند نفوذ معماری غرب در کاخ‌های قاجاری به چه صورتی بوده است؟
- در راستای اهداف و مبانی تحقیق، روش تحقیق نمونه موردی با استفاده از راهبردهای ترکیبی (Groat & Wang, ۲۰۰۵, ۳۴۱-۳۷۰) برای انجام تحقیق انتخاب شده است. روش گردآوری اطلاعات ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به تحقیقات میدانی است. فرآیند استنتاج از سه مرحله

معماری قاجار حال و هوای عجیبی دارد؛ طلوعی متکی بر تداوم عوامل درون‌سر، نشو و نمایی با اتکاء بر تلفیق عوامل درون‌سر و برون‌سر و نهایتاً افولی بر پایه جایگزینی عوامل درون‌سر با برون‌سر حرکت کند و تدریجی سنت‌های تاریخی ایران منشاء اولیه شکل‌گیری نظام زیستی دوره قاجار بود. ضعف دولت قاجار و عدم توانایی نظام زیستی سنتی موجود در رقابت با تحولات و جریانات مدرنیستی دارای منشاء خارجی انگیزه‌های لازم برای انجام تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در جامعه ایران فراهم آورد. به تبع قدم نهادن تدریجی جامعه ایران از جهان شرق به جهان سوم، تمدن غربی به منبع الگوبرداری در بسیاری از زمینه‌ها مبدل شد. معماری ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و به تدریج در تهران و برخی شهرهای بزرگ ساختمان‌هایی به ظاهر سبک تاریخ‌گرایی اروپا ظهور کرد. «در این رابطه کاخ‌ها و بناهای حکومتی اولین ساختمان‌هایی بودند که تحت تاثیر مدرنیزاسیون قرار گرفتند و دستخوش تغییرات شدند» (Ghobadian, ۲۰۰۴, ۳۱). اهمیت موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم افول و نهایتاً پایان دوران سنت‌های تاریخی معماری ایران با دوران حکومت پادشاهان قاجاری گره خورده است. در این میان، کاخ‌ها و بناهای حکومتی، که در راس هرم پذیرش تغییرات و تحولات معماری عصر خود قرار داشتند، نشانه‌ها و روند دگرذیسی تاریخی معماری ایران را به شیوه‌ای واضح‌تر از دیگر بناهای این دوره عرضه می‌نمایند. آراء متعدد و نسبتاً مشابهی درباره روند تکوین و شکل‌گیری معماری قاجار وجود دارد. پیرنیا معماری قاجار را ادامه شیوه اصفهانی و دوره دوم شیوه اصفهانی می‌داند. با این حال ایشان معتقدند که ایرانیان دوره قاجار به واسطه آغاز و اوج‌گیری روابط فرهنگی با غرب به تدریج دچار خودباختگی شدند (Pirnia, ۲۰۱۰, ۳۴۳). در همین راستا قبادیان معتقد است که شیوه اصفهانی منشاء اولیه



شکل ۱. چهارچوب و فرایند پژوهش و سازوکار کلی استنتاج؛ مأخذ: نگارنده.

توصیفی- تحلیلی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت و نهایتاً بر اساس میزان این تأثیرپذیری مقایسه کمی (در واحد درصد) به آنها نسبت داده خواهد شد.

۲-۳. **مرحله سوم:** تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری؛ این بخش نیز به ترتیب شامل مراحل «مقایسه تطبیقی میزان تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های تعیین شده»، «مقایسه تطبیقی روند و میزان تجلی مصادیق معماری غرب در نمونه‌های موردی» و نهایتاً «تبیین و ارزیابی روند و میزان گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار» است.

۳. زمینه‌های بروز تجدد در معماری ایران

بررسی ریشه‌های بروز تجدد و گرایش به معماری غرب در معماری ایران بدون توجه به تحولات روی داده در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار امر صحیحی به نظر نمی‌رسد. روایات متعدد مبین این مطلب است که در اوایل این دوره فضای حاکم بر تمامی امور زیستی ایران تحت تاثیر و نشأت‌گرفته از سنت‌های تاریخی گذشته بود (Ghobadian, ۲۰۰۴, ۶۰-۶۳)؛ لیکن عوامل و حوادث متعددی، همچون شکست‌های نظامی ایران در مقابل ارتش مدرن روس، ضمن روشن ساختن ضعف‌های نشأت‌گرفته از عدم تطابق نظام سنتی ایران با شرایط نوین جهانی، موجب جان گرفتن اندیشه تجدد و اخذ تمدن غربی در دولت قاجار شد. اصلاحات نظامی، اعزام دانشجویان به اروپا،

«بررسی زمینه‌ها و مصادیق بروز تجدد در معماری عصر قاجار»، «انتخاب کاخ‌ها و تحلیل شاخصه‌ها» و «نتیجه‌گیری» تشکیل شده است. در شکل ۱ فرآیند و مسیر انجام پژوهش ارائه شده است.

۲. مراحل انجام کار

۱-۲. **مرحله اول:** تعیین مصادیق گرایش به معماری سنتی ایران و معماری غرب در دوره قاجار؛ در مرحله اول پژوهش با تاکید بر پیشینه تحقیق زمینه‌های بروز تجدد در معماری قاجار بررسی می‌شود و سپس مصادیق و مولفه‌های مربوط به تأثیرپذیری از معماری سنتی ایران و معماری غرب در این دوره، به عنوان معیارهای ارزیابی کاخ‌های قاجاری، معین می‌گردد.

۲-۲. **مرحله دوم:** انتخاب نمونه‌های موردی و تجزیه و تحلیل شاخصه‌ها؛ الف) انتخاب کاخ‌ها: در این مرحله کاخ‌های شاخص دوره قاجار، به طوریکه از نظر تاریخ احداث روند تأثیرپذیری از معماری غرب را به بهترین نحو ارائه دهند، به صورت زنجیروار انتخاب می‌شوند. ب) تجزیه و تحلیل شاخصه‌ها: منظور از شاخصه‌ها، مولفه‌های اصلی معماری و تزئینات کاخ‌های قاجاری شامل پلان و حجم، نظام گردش، نما و مقطع، تزئینات، عناصر معماری، مصالح و سازه و منبع الهام است که بر اساس مصادیق تأثیرپذیری از معماری سنتی ایران و معماری غرب در دوره قاجار (که در بخش‌های بعدی از پیشینه تحقیق استخراج خواهد شد) به صورت

تاسیس مدرسه دارالفنون، استخدام معلمان خارجی، انتشار روزنامه و تاسیس وزارتخانه‌ها پیامدهای بارز این تغییر نگرش در دولت قاجار بود. با این حال، تلاش‌های اولیه ایرانیان عصر قاجار برای جبران انحطاط و عقب‌ماندگی، که اقتباس از تکنولوژی علمی و نظامی غربی ضمن حفظ هویت فردی بود (Ghanbari, 2000, 130)، در اواسط این دوره به واسطه عوامل متعددی همچون اتکای بیشتر بر تغییرات شرایط برون‌ی به جای تکیه بر شرایط تاریخی درونی (حبیبی، ۱۳۷۳، ۱۳۹)، دوری ایرانیان از بنیادهای فکری غرب (Sajadi et al, 2014, 78)، پراکندگی فراوان در آراء روشنفکران این عصر درباره مقوله تجدد (Khasto, 2007, 97) و عدم تمایل شاهان قاجاری به اصلاحاتی که منجر به تضعیف قدرت مطلق آنان می‌گردید (Naghizadeh, 2004, 24) منجر به بروز تقابل‌های بسیاری در تحولات به وجود آمده شد؛ که مهم‌ترین آنها تقابل میان سنت و تجدد در جامعه ایران بود (حبیبی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹). از مهم‌ترین نکات در رویارویی تاریخی ایران دوره قاجار با مدرنیته غربی این بود که ایرانیان خواهان تجدد در مورد مبانی مربوط به تمدن غربی اتفاق نظر نداشتند و هر گروهی بنا بر استنباط و علایق خود بر مؤلفه‌های خاصی به عنوان نماد و رمز برتری و چیرگی غرب دست می‌یازید؛ به همین دلیل تصور کلیت و در نتیجه درک محاسن و معایب این رویارویی بر کسی مقدور نبود. شاید به همین دلیل است که روند تحول در نظام زیستی قاجار به همین جا ختم نگردید و تقابل میان سنت و مدرنیته در جامعه ایران، که به تضعیف سنت‌های تاریخی ایران انجامیده بود، در نسل‌های بعدی تداوم‌دهنده این راه به شیفتگی کورکورانه در برابر فرهنگ مدرن غربی، کنار گذاشتن عناصر و هنجارهای فرهنگی سنتی و نهایتاً غرب‌زدگی انجامید (Ghanbari, 2000, 130-131).

فضای حاکم بر معماری و شهرسازی دوره قاجار نیز وضعیتی مشابه اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر

داشت. نیاز به تحول و نوسازی در این حیطه نیز، برای جامعه‌ای که احساس می‌کرد برای ادامه حیات باید به تغییراتی تن دهد، ضروری به نظر می‌رسید. هنرمندان نخستین آن دوره به روال فرهنگ ایرانی این گونه عمل می‌کردند که فرهنگ بیرونی را در خود مستحیل سازند، نه خویشتن را در آن (Masoud, 2011, 78)؛ اما عدم آشنایی کامل شاهان قاجاری با ویژگی‌های فرهنگی و سنن ملی ایرانی و شیفتگی آنها به فرهنگ غربی (زابلی نژاد، ۱۳۸۷، صص ۱۵۸-۱۵۷) در کنار آراء متعدد و متناقضی که در فضای جامعه پیرامون مقوله سنت و تجدد وجود داشت به تدریج اسباب کم‌رنگ شدن هنرهای سنتی ایران و توسعه هنرهای غربی را فراهم کرد. به همین ترتیب معماری و شهرسازی تهران و برخی شهرهای ایران، که تا اواسط دوره ناصری دارای صفات شهرهای اسلامی بود، بر اثر التقاط فرهنگی و برخی عوارض غربی دچار ظواهر فرهنگ مادی اروپایی شد. به طوری که بر خلاف بخش قدیم شهر، که ویژگی سنتی و بافت قدیمی خود را حفظ کرده بود، بخش جدید شهر با دارا بودن ساختمان‌هایی به سبک و شیوه اروپایی به تدریج خود را از شیوه سنتی و رایج ایران جدا کرد (Bani Masoud, 2011, 80). کاهش تعاملات اجتماعی و بروز برون‌گرایی در ساختار محلات جدید، که عموماً در کنار خیابان‌ها شکل می‌گرفتند (حبیبی، ۱۳۷۳، صص ۱۴۲)، ظهور خیابان‌های دارای بدنه تجاری مسکونی، که به عنوان رقیبی جدی شبکه سنتی بازار را تا حد فزاینده‌ای و سنتی به عقب می‌راند، تغییر مفهوم سنتی میدان با ظهور عملکردها و فضاهای جدید در ساختار آن (افشار اصل و خسروی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۸-۱۲۷) و نهایتاً تحول شار به شهر از دیگر نشانه‌های این دگرذیسی غیر منتظره بود.

۴. مصادیق سنت و تجدد در معماری قاجار

سیر تکاملی معماری ایرانی در حرکتی مستمر و تدریجی، از درون سنت‌ها و تجربیات پیشین صورت

گرفته است؛ به همین دلیل است که معماری سنتی ایران علیرغم تمامی تغییرات و تحولات ناگهانی ناشی از تهاجمات نظامی و شوک‌های فرهنگی، به فردیتی ممتاز از معماری دیگر کشورهای مسلمان نائل شده است (Pope, ۱۹۶۵, ۲۶۶). تحولات معماری در اوایل دوره قاجار نیز به صورت درون‌زا بود، آهنگی کند و همگون با سایر پدیده‌های هنری و اجتماعی داشت و از عوامل و پدیده‌های درونی جامعه تأثیر می‌پذیرفت (Sajadi et al, ۲۰۱۴, ۸۰). با این حال، برخورد فناوری اروپایی با فرهنگ سنتی ایرانی، که در ابتدای دوره ناصری به پذیرش آرام اندیشه‌ها و مظاهر مادی غرب انجامیده بود، در اواسط این دوره به نبرد و تقابلی جدی میان سنت و تجدد مبدل شد (Bani Masoud, ۲۰۱۱, ۷۸). بدین ترتیب معماری بناهای ایران که در اوایل دوره قاجار در ارتباط با اصول معماری سنتی و در قالب ساختارهای یک شهر سنتی شکل گرفته بود، فرم‌های کهن خود را در اواسط دوره ناصری رفته رفته از دست داد و ظاهری غربی به خود گرفت (Ramezan Jamaat & Neyestani, ۲۰۱۲: ۶۶). کاخ‌های قاجار نقشی مهم در تسریع و اوج‌گیری این تحولات داشتند و در واقع روند جدی مدرنیزاسیون و گرایش به معماری غرب از بناهای درباری و حکومتی شروع شد و سپس عرصه‌های دیگر معماری و شهرسازی را در بر گرفت (Ghobadian, ۲۰۰۴, ۳۱).

۴-۱. مصادیق تاثیرپذیری از معماری سنتی ایران در دوره قاجار

درون‌گرایی، پیمون‌بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان (Pirnia, ۲۰۱۰, ۲۶-۳۶)؛ سادگی در طرح بناها، وجود حداقل پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی در ساختمان‌ها و صلابت و استواری اشکال (Ziari et al, ۲۰۱۴, ۴۳-۴۴)؛ ارتباطات عمودی پنهان و نسبتاً کم‌اهمیت و در عوض تالارهای مرکزی مهم و سازمان‌دهنده (Fatullayev, ۲۰۱۳, ۲۲۱). نظام گردش فضایی اتاق به اتاق؛ عدم استفاده از قوس‌های نیم‌دایره در نمای ساختمان (Pirnia,

۲۰۱۰, ۳۴۴)؛ بهره‌گیری از ایوان ستون‌دار به عنوان عنصری قوی در ساختار پلان، استفاده از ستون و معماری ستون‌دار (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۹۳-۹۲)؛ استفاده از حیاط به عنوان عنصر سازمان‌دهنده فضاهای بنا (Nazif, ۲۰۱۳, ۶۰)؛ ورودی‌های گود نشسته و ایوان‌های مسقف هم‌سطح نمای بیرونی (اعتصام، ۱۳۷۴، صص ۹۲)؛ استفاده از تقارن در ترکیب‌بندی نقوش تزئینی (Meskoob, ۱۹۹۹, ۴۱۱)؛ به کارگیری نقوش اسلیمی و ختایی به عنوان فرم‌های تزئینی معماری و خودداری از کشیدن تصویر موجودات ذی‌روح (انصاری، ۱۳۶۶، صص ۳۵۸-۳۵۷)؛ تقدم رنگ‌های سرد بر رنگ‌های گرم و طبیعت‌گریزی در نقوش تزئینی (زابلی نژاد، ۱۳۸۷، صص ۱۵۹-۱۴۲)؛ و تزئینات پرکار داخلی در مقابل تزئینات کمینه خارجی از جمله مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی معماری سنتی ایران محسوب می‌شوند و در شکل‌گیری معماری دوره قاجار نیز نقش مهمی داشتند. از اینرو در ردیابی تاثیر معماری سنتی ایران بر معماری قاجار به آنها می‌توان استناد کرد.

۴-۲. مصادیق تاثیرپذیری از معماری غرب در دوره قاجار

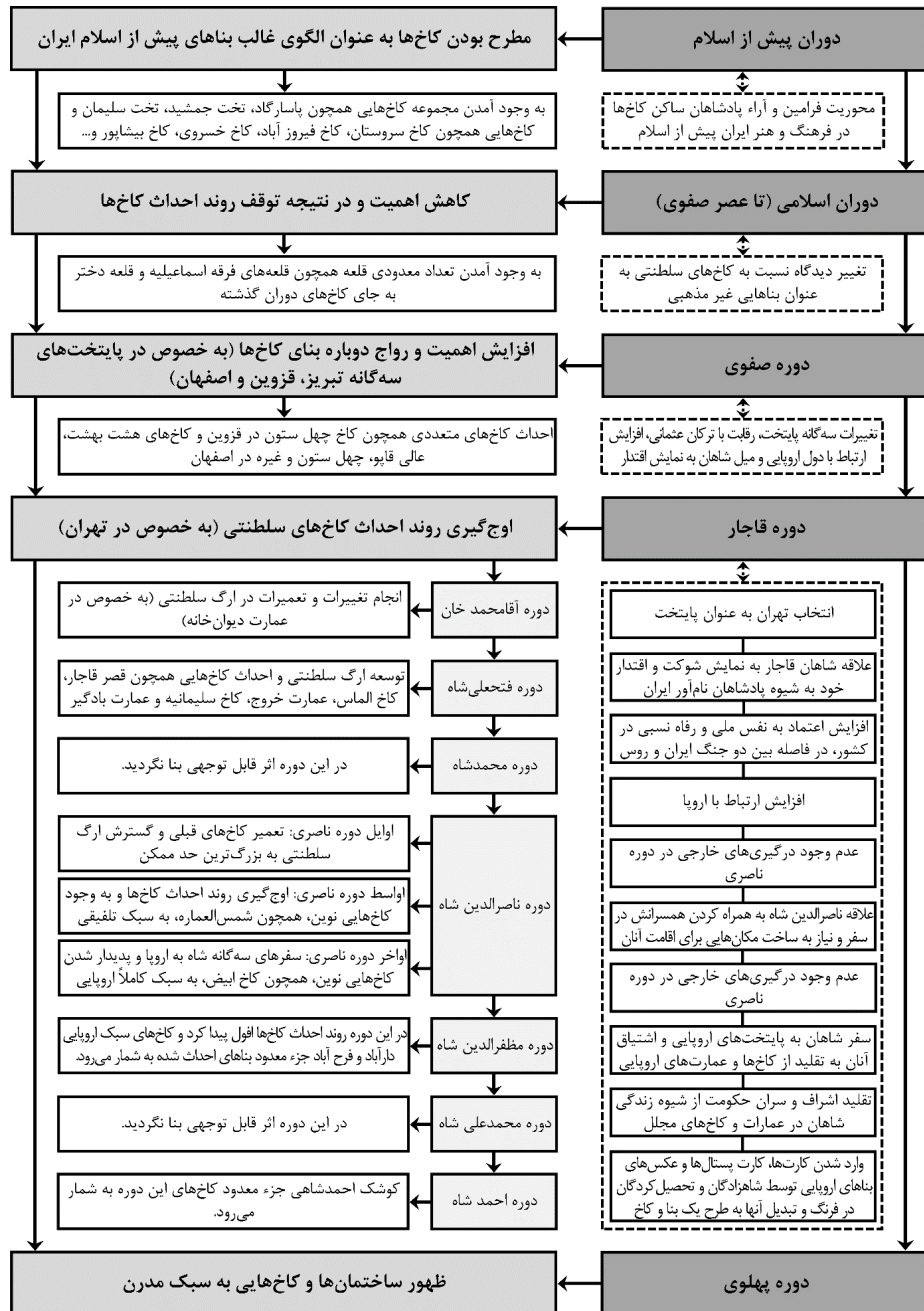
پنجره‌های رو به خیابان با نرده‌های تزئینی روی آن (شروع برون‌گرایی در معماری ایران)، ورودی‌های پیش‌آمده، بالکن‌های جلوزده، سقف‌های شیب‌دار (شیروانی) و تزئینات به سبک روکوکو (اعتصام، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۹۲)؛ استفاده از قفسه راه‌پله به عنوان عنصری محوری در سازماندهی فضاهای بنا (Fatullayev, ۲۰۱۳, ۲۲۱)؛ پلکان‌هایی که از وسط سرسرا شروع می‌شود و به دو شاخه در جهت مقابل یکدیگر تا بالا ادامه می‌یابند (نصیری انصاری، ۱۳۵۰، صص ۲۷۴-۲۷۵) یا پله‌های تشریفاتی دارای دست‌اندازهای تزئینی (اعتصام، ۱۳۷۴، صص ۹۳)؛ نظام گردش فضایی متکی بر محوریت ارتباطات عمودی و ارتباطات افقی راهرو یا سرسرا به اتاق؛ سرستون‌های سبک یونانی و قوس‌های نیم‌دایره رومی (Ansari,

۲۰۱۰: ۱۶۷)؛ تقدم رنگ‌های گرم بر رنگ‌های سرد، نقوش تزئینی طبیعت‌پردازانه و غیر انتزاعی و استفاده از تصاویر موجودات ذی‌روح (زابلی‌نژاد، ۱۳۸۷، صص ۱۵۹-۱۴۰)؛ سنتوری‌های مثلثی یا منحنی‌شکل بالای نما؛ شومینه‌ها و بخاری‌های دیواری؛ و اهمیت بسیار زیاد تزئینات خارجی از جمله مصادیق مرتبط با معماری غرب هستند که به زعم محققین ساختار معماری و تزئینات بسیاری از بناهای دوره قاجار را به شیوه‌ای متفاوت از شیوه‌های سنتی پیشین شکل دادند. از اینرو در بررسی تاثیرپذیری معماری قاجار از معماری غرب به آنها می‌توان استناد کرد.

۵. روند تاریخی احداث کاخ در ایران با تاکید بر دوره قاجار

احداث کاخ در ایران به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. مفهوم امروزی کاخ با مفهوم این کلمه در گذشته متفاوت است. در گذشته به بناهایی منفرد، که با نوعی معماری برتر از دیگر بناها احداث می‌شدند و کاربردهای متفاوتی داشتند، کاخ اطلاق می‌گردید (Kiani, ۲۰۱۴: ۱۲). این بناهای منفرد ممکن بود که زمانی به عنوان کاخ مسکونی به کار رفته باشد و زمانی در نقش یک معبد ظاهر می‌شد (کلایس، ۱۳۹۳، ص ۲۹۵). به طور کلی، فرهنگ ایران پیش از اسلام بر محوریت فرامین و آراء پادشاهان و حاکمان ساکن کاخ‌ها استوار بود؛ به همین سبب سبک معماری کاخ‌ها الگوی غالب بناهای آن دوران بود (Kateb-e Valiankoh, ۱۹۹۸: ۳۳۶). با گرویدن ایرانیان به اسلام و ظهور مسجد به عنوان مهم‌ترین عنصر در ساختار فضایی شهر اسلامی از اهمیت این بناهای غیرمذهبی کاسته شد و از آنها به تدریج برای سکونت و امور حکومتی استفاده شد. به همین سبب از صدر اسلام کاخ یا بنای باشکوهی، که در مقیاس بزرگ ساخته شده باشد، بر جای نمانده است. در دوره صفوی بود که کاخ‌های حکومتی اهمیت دوباره‌ای پیدا کرد و در کنار مسجد و بازار به یکی از عناصر اصلی میدین شهری مبدل شد (حبیبی، ۱۳۷۳، ص

۱۴۷)؛ به طوری که در پایتخت‌های سه‌گانه آنها (تبریز، قزوین و اصفهان) نمونه‌های جالب توجهی ساخته شد (Kiani, ۲۰۱۴، ۱۲). قاجاریان نیز همانند صفویان علاقه زیادی به احاطه کردن محیط پیرامون خود با مناظر زیبا به ویژه کاخ‌ها داشتند (Fatullayev, ۲۰۱۳، ۲۲۰). بدین ترتیب عمارت این‌گونه بناها بر الگوی بناهای ساسانی و زیگورات عیلامی به سه صورت ارگ (کوشک کوچک محصور در فضایی وسیع)، مجموعه باغ و عمارت (برگرفته از معماری صفوی) و تخت (باغ‌های مطبق محصور با بناهای مسکونی) در اوایل دوره قاجار دنبال شد (Diba, ۱۹۹۹، ۴۲۷-۴۲۸). در واقع کاخ‌ها به عنوان شاخص‌ترین بقایای معماری و مهم‌ترین کار معماران دوران پیش از اسلام ایران با داشتن چیدمان منظم و متقارن و عنصر مسلط ایوان بعدها الگوی کاخ‌ها و خانه‌های اربابی می‌شود و در دوره قاجار با جدیت تداوم پیدا می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۸۶-۸۵). در این راستا، آقامحمدخان و سپس فتحعلی‌شاه اقدام به انجام تعمیرات در کاخ‌های دوره‌های صفویه و زندیه کردند؛ به طوری که در سال ۱۲۰۶ ه.ق. (۱۷۹۲ میلادی) تغییراتی زیر نظر آقامحمدخان در عمارت دیوان‌خانه انجام شد (Zoka, ۱۹۷۰، ۴۵). پادشاهان قاجار بنا به عادت ایلی، اغلب فصل گرمای تهران را در خارج از شهر می‌گذراندند و به این ترتیب اقامتگاه‌هایی بیرون از باروی تهران برای خود بنا می‌کردند (Moghtader, ۱۹۹۹: ۴۷۱). در همین راستا فتحعلی‌شاه، علاوه بر گسترش ارگ سلطنتی اولیه و برپا کردن حرمسرای عریض و طویل خود، باغ نگارستان و قصر آن را پایه‌گذاری کرد و برای زمان شکار و گردش خودش در میان راه شمیران قصر معروف قاجار را بنا نهاد، که در بلندترین قسمت آن قصر مناظر بدیع طهران و حومه آن دیده می‌شد (فرهمند، ۱۳۸۵، ص ۲۴۵). در واقع شروع جدی برنامه عظیم معماری و ساختمانی کاخ‌سازی دوره قاجار مقارن با دوران اعتماد به نفس ملی و رفاه نسبی در کشور، در فاصله



شکل ۲. دوره‌های اصلی و روند تاریخی احداث کاخ در ایران با تاکید بر دوره قاجار؛ مأخذ: نگارنده.

بین دو جنگ ایران و روس بود (Diba, ۱۹۹۹: ۴۳۶). دارای سبک و سیاق اروپایی را در وی برانگیخته بود (فرهمند، ۱۳۸۵، صص ۲۴۶-۲۴۵). در دوره وی اغلب طاق‌های جناغی مجموعه بناهای کاخ گلستان به طاق‌های قوسی یا رومی تبدیل شد (Zoka, ۱۹۷۰، ۲۸۲). او ضمن تعمیر قصور قبلی، ارگ سلطنتی و کاخ گلستان را به بزرگترین شکل ممکن گسترش داد. در دوره ناصری، به واسطه عدم وجود درگیری‌های خارجی، معماری ایران تا حدودی از رکود خارج شد و ناصرالدین‌شاه به بزرگترین کاخ‌ساز تاریخ قاجار تبدیل شد. سفرهای سه‌گانه ناصرالدین‌شاه به اروپا انگیزه و روح ساختمان‌سازی و احداث کاخ‌های

داد؛ و علاوه بر کاخ‌های شهری به دلیل علاقه فراوانش به سفر، شکار و تفریح به همراه همسران متعدّدش کاخ‌های ییلاقی فراوانی را نیز به مجموعه کاخ‌هایش افزود (فرهمند، ۱۳۸۵، صص ۲۴۶-۲۴۵). در دو دهه واپسین دوره ناصری، یعنی پس از سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اروپا در سال ۱۲۹۶ ه.ق (۱۸۷۸ میلادی)، شیفتگی و گرایش به هنر و معماری غرب به اوج خود رسیده بود؛ به طوری که در طراحی کاخ‌ها و بناهای حکومتی مستقیماً از بناهای اروپایی الگوبرداری می‌شد. یحیی ذکی درباره عمارت خوابگاه می‌نویسد: «این کاخ برخلاف عمارات دیگر ساختمانی بود کاملاً به سبک اروپایی که از روی ساختمان «دولمه باغچه» سلطان عثمانی ساخته شده و تزئین یافته بود» (Zoka, ۱۹۷۰, ۲۵۴). اغلب کاخ‌ها و عمارت‌های این دوره به صورت کلی و جزئی از روی بناهای موجود در اروپا یا عکس‌های کاخ‌های فرنگی طراحی و اجرا می‌شدند. به هر حال، روند احداث کاخ‌های این دوره با پایان عصر ناصری، متأثر از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی ایران، به افول گرایید و به غیر از چند نمونه انگشت شمار احداث شده در دوره مظفرالدین شاه (کاخ دارآباد و کاخ فرح آباد) و احمد شاه (کوشک احمدشاهی) اثر قابل توجهی بنا نگردید. در «شکل ۲» دوره‌های اصلی و روند تاریخی احداث کاخ در ایران با تأکید بر دوره قاجار ارائه شده است.

۶. روش استنتاج

فرایند استنتاج میزان و روند تأثیرپذیری کاخ‌های قاجاری از معماری غرب بر پایه تعیین میزان تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های اصلی این بناها شامل پلان و حجم، نظام گردش فضایی، نما و مقطع، مصالح و سازه، عناصر معماری، تزئینات و منبع الهام استوار است. بدین ترتیب که متناسب با هر یک از شاخصه‌ها، مصادیقی، استخراج‌شده از پیشینه تحقیق، معین می‌گردد (جدول ۱ و ۲). سپس در ارتباط با هر یک از نمونه‌های موردی کاخ‌های قاجاری نسبت تعداد مصادیق غربی موجود

در هر یک از شاخصه‌ها بر کل مصادیق غربی مرتبط با آن شاخصه در واحد درصد، به عنوان معیاری کمی، پایه و اساس ارزیابی و مقایسه میزان تأثیر معماری غرب بر آن شاخصه در نظر گرفته می‌شود. البته در صورتی که در یکی از مصادیق موازی موجود در جدول ۱ و ۲، مانند «نظام‌گردش فضایی اتاق به اتاق» و «نظام‌گردش فضایی راهرو به اتاق» واقع در شاخصه نظام‌گردشی، گرایش تلفیقی به معماری ایران و غرب صورت گرفته باشد، میزان گرایش به معماری غرب در آن مصداق ۵۰ درصد در نظر گرفته خواهد شد. قابل ذکر است که معیار ارزیابی در مورد معدود کاخ‌های غیرموجود و تخریب شده قاجاری (مانند قصر قاجار و عمارت خوابگاه) تصاویر و توصیفات ارائه شده در سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی مکتوب بوده است.

بدیهی است که نتایج کمی حاصل از این بررسی، علاوه بر این که نمی‌تواند معیار کاملاً دقیقی در ارزیابی میزان تأثیر معماری غرب بر کاخ‌های قاجاری به حساب آید، بیان‌کننده تمامی آنچه در جریان گرایش به معماری غرب بر کاخ‌های قاجاری حادث شده است نیست؛ با این حال، می‌تواند در پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق، که تبیین و ارزیابی روند گرایش به معماری غرب بر اساس مقایسه تطبیقی شاخصه‌های اصلی کاخ‌های قاجاری است، به کار آید. شاخصه‌های مورد نظر و مصادیق ارزیابی آنها در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

۷. تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

با توجه به آنچه درباره روند گرایشات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به تمدن غربی در دوره قاجار بیان شد، چهار دوره پیش از ناصری، اوایل و اواسط ناصری، اواخر ناصری و پس از ناصری به عنوان بازه‌های زمانی اصلی برای انتخاب نمونه‌های موردی و تبیین روند گرایش به معماری غرب در کاخ‌های قاجاری تعیین می‌گردد. بر همین اساس و از بین هفده کاخ دارای ارزش تاریخی انتخاب‌شده پنج بنا به پیش از دوره ناصری، پنج بنا به اوایل و اواسط

جدول ۱. شاخصه‌های اصلی بناهای دوره قاجار و مصادیق استخراج شده برای ارزیابی میزان تاثیر معماری سنتی ایران بر آنها؛ مأخذ: نگارنده.

پلان و حجم	نظام گردش	نما و مقطع	تزئینات	عناصر معماری	مصالح و سازه	منبع الهام
۱. درون‌گرایی ۲. حداقل‌پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی ۳. ورودی گود نشسته و دارای هشتی ۴. استفاده از حیاط به عنوان عنصر سازمان دهنده بنا ۵. تالار مرکزی مهم و محوری ۶. ایوان‌های ستون‌دار مسقف و هم‌تراز با نما	۱. ارتباطات عمودی و پنهان و کم‌اهمیت ۲. نظام گردش فضایی اتاق به اتاق ۳. محوریت هشتی در سازماندهی ارتباطات فضایی	۱. خط آسمان صاف یا گنبددار ۲. ورودی گود نشسته ۳. ایوان هم‌تراز با نما ۴. سرستون‌های ایرانی ۵. قوس‌های جناغی سنتی	۱. تقدم تزئینات داخلی بر خارجی ۲. صلابت اشکال و نقوش طبیعت‌گریز به شکل هندسی، اسلیمی و ختایی ۳. تقییدیه ایجاد تقارن در نقوش تزئینی ۴. عدم استفاده از تصویر موجودات ذی‌روح ۵. تقدم استفاده از رنگ‌های سرد بر گرم	۱. ستون و سرستون ایرانی ۲. پنجره‌ها و درهای مستطیل‌شکل و جناغی ۳. قوس‌های جناغی ۴. راه‌پله گرد آجری ۵. بام دارای پوشش کاهگل یا سفال ۶. بخاری‌های دیواری ایرانی	۱. استفاده از کاهگل یا گنبد آجری در پوشش بام ۲. استفاده از خشت، آجر و چوب در سازه بنا ۳. پنجره، در، نرده و عناصر تزئینی چوبی	استخراج شده از اسناد مکتوب

جدول ۲. شاخصه‌های اصلی بناهای دوره قاجار و مصادیق استخراج شده برای ارزیابی میزان تاثیر معماری غرب بر آنها؛ مأخذ: نگارنده.

پلان و حجم	نظام گردش	نما و مقطع	تزئینات	عناصر معماری	مصالح و سازه	منبع الهام
۱. برون‌گرایی و ظهور پنجره‌های تزئینی رو به خیابان ۲. وجود پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی ۳. ورودی پیش‌آمده عریض و مرکزی به‌عنوان عنصر محوری جلوی بنا ۴. محوریت راه‌پله و سرسرای ورودی ۵. بالکن‌های جلوزده	۱. ارتباطات عمودی نمایان و مهم ۲. نظام گردش فضایی راهرو یا سرسرایه اتاق ۳. محوریت راه‌پله و سرسرای ورودی در ارتباطات فضایی	۱. خط آسمان شکسته با ستوری یا شیروانی ۲. ورودی پیش‌آمده ۳. بالکن‌های جلوزده ۴. سرستون‌های یونانی ۵. قوس‌های نیم‌دایره رومی یا تزئینات شبه ستوری بر روی نما	۱. تقدم تزئینات خارجی بر داخلی ۲. گرایش به اشکال آزاد و نقوش طبیعی یا تزئینات هندسی سبک نئوکلاسیک ۳. عدم تقید به ایجاد تقارن در نقوش تزئینی یا نقوش متقارن نئوکلاسیک ۴. استفاده از تصاویر موجودات ذی‌روح ۵. تقدم استفاده از رنگ‌های گرم بر سرد	۱. ستون و سرستون یونانی ۲. پنجره‌ها و درهای هلالی، دسته‌زنبیلی یا دارای تزئینات ستوری شکل ۳. قوس‌های نیم‌دایره یا دسته‌زنبیلی غربی ۴. راه‌پله تشریفاتی با دست‌اندازهای تزئینی ۵. بام دارای پوشش شیروانی ۶. شومینه‌های غربی	۱. استفاده از آهن سفید در پوشش بام (سقف شیروانی) ۲. استفاده از فولاد و چدن در سازه بنا ۳. نرده‌های تزئینی فلزی یا سنگی و عناصر تزئینی فلزی	استخراج شده از اسناد مکتوب

دوره ناصری، پنج بنا به اواخر دوره ناصری و دو بنا به پس از دوره ناصری تعلق دارد (جدول ۳). با این حال، به واسطه محدودیت‌های مقاله به توصیف و تحلیل نسبتاً مفصل سه مورد اکتفا می‌نماییم و نتایج مربوط به تحلیل بناهای دیگر در جدول ۴ ارائه می‌شود:

۱-۷. نمونه مربوط به پیش از دوره ناصری: ایوان تخت مرمر

این ایوان در سال ۱۷۶۰ به دستور کریم‌خان و با سبک معماری ساسانی بنا گردید؛ لیکن ساختار اصلی امروز آن نتیجه تغییراتی است که در دوره آقامحمدخان و سپس در دوره ناصری صورت گرفته

است (Zoka, ۱۹۷۰, ۴۵). این کاخ دارای پلانی ساده، بدون پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی و به شکل مستطیلی کشیده در امتداد شرقی - غربی است. ساختمان دو طبقه است، سقف تخت تیرپوش و خط آسمانی صاف دارد و فضاهایی همچون ورودی، هشتی، شاه‌نشین، گوشواره و راه‌پله را به صورت متقارن، با محوریت فضای شاه‌نشین، در خود جای داده است. شاه‌نشین به ارتفاع دو طبقه است و فضاهای دو طبقه طرفین آن شامل راهروها و گوشواره‌ها نقش پشت‌بند را برای آن دارند. این بنا فاقد ورودی مرکزی است و نحوه دسترسی به فضاهای آن از طریق راهرو و فضای هشتی شکل واقع

در طرفین فضای شاه‌نشین میسر است. ارتباطات عمودی در این بنا غیرنمایان، نسبتاً کم اهمیت و فاقد جنبه مرکزی و سازماندهی‌کننده فضاهای اطراف است. بنا، با وجود دارا بودن فرم منفرد و بازشوهای متعدد، فاقد ارتباط با فضاهای شهری است. تراکم و حجم تزئینات کار شده در فضاهای داخلی نسبت به نماهای بیرونی بیشتر است. اوج تزئینات داخلی متمرکز بر فضای شاه‌نشین است و فضاهای دیگر به تناسب دارای تزئینات کمتری است. در تزئینات داخلی شاه‌نشین از آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، گره‌چینی، آئینه‌کاری، گچ‌بری روی آئینه، حجاری و نقاشی روی گچ و بوم استفاده شده و گلوبی‌ها به شکل مقرنس است. قوس‌های موجود در قسمت بالای طاقچه‌ها به شکل جناغی است و با وجود این که در ساختار اولیه بنا درها و پنجره‌ها به شکل مستطیلی اجرا شده بود، در دوره ناصری از حالت مستطیلی خارج شده و یک قوس نیم‌دایره به بالای آنها اضافه شده است. به طور کلی هر سه نوع تزئینات تخت، نیمه‌برجسته و حجمی (به صورت مقرنس) در این بنا قابل مشاهده است، که در دامنه وسیعی از نقوش هندسی، شبه اسلیمی، انسانی، گیاهی، حیوانی و مناظر طبیعی کار شده است. رنگ‌های گرم و تندی مانند قرمز، زرد، نارنجی و طلایی در عناصر تزئینی این بنا بیشتر جلب توجه می‌کند. با توجه به مطالب ذکرشده و بررسی دقیق شاخصه‌های این بنا بر پایه معیارهای کیفی تعیین شده در جدول ۱ و ۲ می‌توان نسبت به تعیین درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در آنها اقدام کرد. نتایج ارزیابی به شرح ذیل است:

- پلان و حجم: ۱. عدم وجود برون‌گرایی به شیوه غربی (۰٪)؛ ۲. حداقل پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی (۰٪)؛ ۳. ورودی گود نشسته و دارای هشتی (۰٪)؛ ۴. عدم استفاده از پله‌های عریض و مرکزی به عنوان عنصر محوری در جلوی بنا (۰٪)؛ ۵. تالار مرکزی مهم و محوری (۰٪)؛ ۶. ایوان ستون‌دار مسقف و هم‌تراز با نما (۰٪). میانگین: (۰٪).

- نظام گردشی: ۱. ارتباطات عمودی پنهان و کم‌اهمیت (۰٪)؛ ۲. نظام‌گردش فضایی هشتی به اتاق (۰٪)؛ ۳. محوریت هشتی در سازماندهی ارتباطات فضایی (۰٪). میانگین: (۰٪).
- نما و مقطع: ۱. خط آسمان صاف (۰٪)؛ ۲. ورودی گود نشسته (۰٪)؛ ۳. ایوان هم‌تراز با نما (۰٪)؛ ۴. سرستون‌های ایرانی (۰٪)؛ ۵. قوس‌های جناغی سنتی (۰٪). میانگین: (۰٪).
- تزئینات: ۱. تقدم تزئینات داخلی بر خارجی (۰٪)؛ ۲. تلفیق اشکال و نقوش آزاد و هندسی (۵۰٪)؛ ۳. تلفیق نقوش متقارن و غیرمتقارن (۵۰٪)؛ ۴. وجود تصویر موجودات ذی‌روح (۱۰۰٪)؛ ۵. تقدم استفاده از رنگ‌های گرم بر سرد (۱۰۰٪). میانگین: (۶۰٪).
- عناصر معماری: ۱. ستون و سرستون ایرانی (۰٪)؛ ۲. پنجره‌ها و درهای مستطیل‌شکل و جناغی (۰٪)؛ ۳. قوس‌های جناغی (۰٪)؛ ۴. راه‌پله گرد آجری (۰٪)؛ ۵. بام دارای پوشش کاهگل (۰٪)؛ ۶. بخاری دیواری ایرانی. میانگین: (۰٪).
- مصالح و سازه: ۱. استفاده از کاه‌گل در پوشش بام (۰٪)؛ ۲. استفاده از خشت، آجر و چوب در سازه بنا (۰٪)؛ ۳. پنجره‌ها و درهای چوبی (۰٪). میانگین: (۰٪).
- منبع الهام: معماری ساسانی (Zoka, ۱۹۷۰, ۴۲). میانگین: (۰٪).

۷-۲. نمونه مربوط به اواسط دوره ناصری: کاخ گلستان (کاخ اصلی)

ناصرالدین‌شاه شاه تحت تاثیر سفر به اروپا در سال ۱۸۷۳ و دیدن موزه‌ها و گالری‌های بزرگ کشورهای غربی تصمیم گرفت که او نیز موزه‌ای شبیه به موزه‌های اروپایی در ارگ سلطنتی تاسیس نماید (Zoka, ۱۹۷۰, ۱۲۳). به همین منظور پس از بازگشت به ایران دستور به احداث این کاخ داد. عملیات ساخت این بنا بین سالهای ۱۸۷۴ تا ۱۸۷۷ صورت پذیرفت. این کاخ نیز دارای پلانی کشیده در امتداد بنا، با جهت‌گیری شرقی-غربی، است؛ لیکن ورودی مرکزی و پیش‌آمده بنا موجب تمایز آن از

جدول ۳. معرفی تصویری نمونه‌های موردی کاخ‌های قاجاری؛ مأخذ: نگارنده.

پیش از دوره ناصری	اوایل و میانه دوره ناصری	اواخر دوره ناصری
ایوان تخت مرمر (۱۷۶۰-۱۷۹۲)	شمس‌العماره (۶۸-۱۸۶۵)	کاخ شهرستانک (۸۱-۱۸۸۰)
کاخ خان شکی (۱۷۹۷)، جمهوری آذربایجان	کاخ سپهسالار (۱۸۷۴)	قصر یاقوت (۱۸۸۲-۸۴)
قصر قاجار (۱۷۹۸)	کاخ گلستان (۱۸۷۴-۷۷)	عمارت خوابگاه (۸۶-۱۸۸۵)
عمارت خروج (۱۸۰۱)	عمارت دیوان‌خانه (۷۸-۱۸۷۳)	کاخ ابيض (۱۸۸۹-۹۱)
عمارت بادگیر (۱۸۱۳)	کاخ صاحبقرانیه (۸۰-۱۸۵۱)	کاخ ملیجک (۱۸۹۵)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۱۸۹

کاخ‌های دوره پیشین شده است. این کاخ دو طبقه دارای سقف تخت تیرپوش و پوشش بامی از جنس شیروانی است و خط آسمان آن به واسطه ترکیب با اشکال مثلثی غیرصاف و شکسته است. در این بنا نیز سعی بر استفاده از تقارن بوده، لیکن تقارن تکراری و موضعی جایگزین تقارن محوری شده است. در سازماندهی فضایی این کاخ نسبت به کاخ‌های اولیه قاجار تغییراتی ایجاد شده و شاه‌نشین محوری و سازماندهی‌کننده نمونه‌های اولیه جای خود را به سراسرا و راه‌پله مرکزی واقع در آن داده است. این کاخ، با وجود عدم ارتباط بصری با فضاهای شهری، به واسطه داشتن بازشوهای وسیع در نما نسبتاً برون‌گرا است و نسبت تراکم و حجم تزئینات کار شده در فضاهای داخلی و خارجی آن به تعادل رسیده است. در واقع با اوج‌گیری نفوذ معماری غرب و به تبع آن افزایش برون‌گرایی در ساختار معماری کاخ‌های قاجار، تزئینات پرکار داخلی بناهای اولیه به تدریج به نماهای بیرونی ساختمان منتقل شده است. تاثیر معماری غرب در نمای بیرونی بنا نیز مشهود است و تغییر شکل درها و ارسی‌های دارای گره‌چینی مستطیل‌شکل رایج در بناهای سنتی به درها و ارسی‌های دارای قواره‌کاری نیم‌هلال موید این مطلب است. ستون‌های چوبی موجود در فضای داخلی کاخ (سالن عاج)، به واسطه نوع گچ‌بری‌های انجام شده در سرستون‌ها و بدنه‌ها، حس و حال ستون‌های کمرتی و سبک روکوکو را دارند. نقوش تزئینی این کاخ به طور آشکاری تحت تاثیر مشترک نقوش ایرانی و غربی هستند؛ به طوری که با وجود استفاده از نقوش شبه‌اسلیمی در گچ‌بری‌ها، کاشی‌کاری‌ها و حتی آیینه‌کاری‌ها، این نقوش به صورتی نسبی از ماهیت انتزاعی نقوش ایرانی فاصله گرفته و جنبه واقع‌گرایانه نقوش غربی را پذیرا شده‌اند. همچنین در نقوش تزئینی کاشی‌کاری‌ها و نقاشی‌های دیواری با نمونه‌های زیادی از طراحی‌های رئال شامل مناظر طبیعی، تصاویر ساختمان‌های اروپایی، فیگورهای انسانی و

موتیف‌های حیوانی می‌توان روبرو شد. در این کاخ نیز، همانند کاخ‌های پیش از دوره ناصری، استفاده از رنگ‌های گرم جلب توجه می‌کند؛ لیکن به نظر می‌رسد که تونالیت‌ه رنگی استفاده شده دارای ملایمت و روشنی بیشتری است و رنگ‌هایی مانند صورتی و تونالیت‌های روشن زرد، نارنجی و آبی (رایج در سبک روکوکو) جایگزین رنگ‌های تندتر کاخ‌های پیشین شده است. در ترکیب‌بندی عناصر تزئینی این کاخ نیز، همانند کاخ‌های پیش از دوره ناصری، کاستی‌های قابل توجهی در زمینه وحدت کلی اجزاء وجود دارد؛ به طوری که به نظر می‌رسد هنرمندان متعدد این آثار با وجود تمایل به تلفیق نوآورانه انواع آرایه‌های سنتی و غربی به واسطه عواملی همچون شناخت نسبتاً سطحی از سنت‌های تزئینی ایران و غرب، شتاب‌زدگی، کمبود مهارت کافی و عدم وجود هماهنگی‌های لازم در بین آنان قادر به ایجاد هارمونی بصری جزء به کل و کل به جزء مطلوبی نشده‌اند.

با بررسی شاخصه‌های این بنا بر پایه معیارهای کیفی تعیین شده در جدول ۱ و ۲ می‌توان نسبت به تعیین درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در آنها اقدام کرد. نتایج ارزیابی به شرح ذیل است:

- پلان و حجم: ۱. برون‌گرایی کالبدی بدون ارتباط با فضاهای شهری (۵۰٪)؛ ۲. وجود پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی (۱۰۰٪)؛ ۳. ورودی پیش‌آمده (۱۰۰٪)؛ ۴. عدم استفاده از پله‌های عریض و مرکزی به عنوان عنصر محوری در جلوی بنا (۰٪)؛ ۵. محوریت راه‌پله و سراسرای ورودی (۱۰۰٪)؛ ۶. فضای بسته شبه‌بالکن (جلوزده از بنا بر روی ورودی) (۵۰٪). میانگین: (۶۶/۶۶٪).

- نظام گردشی: ۱. ارتباطات عمودی نمایان و مهم (۱۰۰٪)؛ ۲. نظام‌گردش فضایی تلفیقی (۵۰٪)؛ ۳. محوریت نسبی راه‌پله و سراسرای ورودی در سازماندهی ارتباطات فضایی (۵۰٪). میانگین: (۶۶/۶۶٪).

- نما و مقطع: ۱. خط آسمان شکسته با سنتوری یا

سنتوری در نما شکسته است. در سازماندهی نماها و فضاهای این کاخ از تقارن تکراری استفاده شده است. ورودی جلو آمده و بالکن روی آن این کاخ را از کاخ‌های اولیه قاجار متمایز می‌کند. ارتباط عمودی در این بنا بسیار مهم و عامل اصلی سازماندهی فضاهای پلان است؛ به طوری که راه‌پله مرکزی واقع در سرسرا عنصر محوری پلان محسوب می‌شود. ارتباطات فضایی داخل طبقات نیز از طریق سرسرای ورودی یا راهروهای پیرامون راه‌پله مرکزی میسر است. این کاخ به واسطه داشتن بازشوهای متعدد و فضای نیمه‌باز به صورت بالکن بسیار برون‌گرا است. غالب عناصر و تزئینات معماری این بنا من جمله ستون‌ها و پنجره‌های هلالی موجود در نماهای بیرونی، راه‌پله عریض مقابل ورودی، دره‌های فلزی بالکن و راه‌پله، سقف شیروانی شیب‌دار، سنتوری موجود در نما، تزئینات دور پنجره‌های هلالی یا دسته زنبیلی و گچ‌بری‌های سفیدرنگ نماهای بیرونی و فضاهای داخلی الهام گرفته از بناهای معماری نئوکلاسیک اروپا است. تزئینات داخلی خارجی این کاخ بر خلاف الگوهای اولیه و میانی کاخ‌های دوره قاجار نسبتاً به صورت کمینه و اغلب محدود به گچ‌بری‌های موجود در نماهای بیرونی و فضاهای داخلی است. به طور کلی تزئینات معماری این کاخ متمرکز بر نماهای بیرونی است و فضاهای داخلی از تزئینات کمی برخوردار است؛ از این رو به نظر می‌رسد که، نسبت به الگوهای اولیه و میانی این گونه بناها، برون‌گرایی کالبدی مختص کاخ‌های قاجاری به شیوه کامل‌تری در تناسبات تزئینی فضاهای داخلی و خارجی آن متجلی شده است. وجود وحدت نسبی در ترکیب‌بندی عناصر تزئینی نیز از دیگر مشخصه‌های بارز این بنا است.

• پلان و حجم: ۱. برون‌گرایی کالبدی بدون ارتباط با فضاهای شهری (۵۰٪)؛ ۲. وجود پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی (۱۰۰٪)؛ ۳. ورودی پیش‌آمده (۱۰۰٪)؛ ۴. استفاده از پله عریض و مرکزی به عنوان عنصر محوری جلوی بنا (۱۰۰٪)؛ ۵. محوریت راه‌پله و

شیروانی (۱۰۰٪)؛ ۲. ورودی پیش‌آمده (۱۰۰٪)؛ ۳. فضای بسته شبه بالکن (جلوزده از بنا بر روی ورودی) (۵۰٪)؛ ۴. سرستون‌های ایرانی و یونانی (۵۰٪)؛ ۵. قوس‌ها و طاق‌های جناغی سنتی و نیم‌دایره رومی (۵۰٪). میانگین: (۷۰٪).

• تزئینات: ۱. تعادل میان تزئینات داخلی و خارجی (۵۰٪)؛ ۲. تلفیق اشکال و نقوش آزاد و هندسی (۵۰٪)؛ ۳. تلفیق نقوش متقارن و غیرمتقارن (۵۰٪)؛ ۴. استفاده از تصویر موجودات ذی‌روح (۱۰۰٪)؛ ۵. تقدم استفاده از رنگ‌های گرم بر سرد (۱۰۰٪). میانگین: (۷۰٪).

• عناصر معماری: ۱. ستون‌ها و سرستون‌های ایرانی و یونانی (۵۰٪)؛ ۲. پنجره‌ها و دره‌های مستطیل‌شکل و هلالی (۵۰٪)؛ ۳. قوس‌ها و طاق‌های جناغی سنتی و نیم‌دایره رومی (۵۰٪)؛ ۴. راه‌پله تشریفاتی با دست‌اندازهای تزئینی (۱۰۰٪)؛ ۵. بام دارای پوشش شیروانی (۱۰۰٪)؛ ۶. شومینه‌های غربی (۱۰۰٪). میانگین: (۷۵٪).

• مصالح و سازه: ۱. استفاده از آهن سفید در پوشش بام (سقف شیروانی) (۱۰۰٪)؛ ۲. استفاده از خشت، آجر و چوب در سازه بنا (۰٪)؛ ۳. پنجره‌ها، درها و دره‌های چوبی و فلزی (۵۰٪). میانگین: (۵۰٪).

• منبع الهام: تحت تاثیر سفر ناصرالدین‌شاه شاه به اروپا در سال ۱۸۷۳ (Zoka, ۱۹۷۰, ۱۲۳). قبادیان منبع الهام این کاخ را تلفیقی می‌داند (Ghobadian, ۲۰۰۴, ۹۰). میانگین: (۵۰٪).

۳-۷. نمونه مربوط به اواخر دوره ناصری: کاخ ابیض

این بنا در سال ۱۸۹۱ به دستور ناصرالدین‌شاه در قسمت غربی محوطه کاخ گلستان بنا شد. احداث ساختمان زیر نظر مستقیم ناصرالدین‌شاه صورت گرفت و نقشه آن را نیز شخصاً طرح نمود. طبق تعریف دکتر فوریه این کاخ به سبک معماری لویی شانزدهم بنا شده بود (Fauvriat, ۲۰۰۶, ۱۱۳). این کاخ دو طبقه دارای پلانی ساده به شکل مستطیل است، سقف تخت و تیرپوش دارد و خط آسمان آن به واسطه استفاده از پوشش شیروانی در بام و

سرسرای ورودی (۱۰۰٪)؛ ۶. بالکن جلوزده (۱۰۰٪). میانگین: (۹۱/۶۶٪).

• نظام گردشی: ۱. ارتباطات عمودی نمایان و مهم (۱۰۰٪)؛ ۲. نظام گردشی سرسرا به اتاق (۱۰۰٪)؛ ۳. محوریت راه پله و سرسرای ورودی در سازماندهی روابط فضایی (۱۰۰٪). میانگین: (۱۰۰٪).

• نما و مقطع: ۱. خط آسمان شکسته با سنتوری و شیروانی (۱۰۰٪)؛ ۲. ورودی پیش آمده (۱۰۰٪)؛ ۳. بالکن جلوزده (۱۰۰٪)؛ ۴. سرستون‌های یونانی (۱۰۰٪)؛ ۵. قوس‌های نیم‌دایره رومی (۱۰۰٪). میانگین: (۱۰۰٪).

• تزئینات: ۱. تقدم تزئینات خارجی بر داخلی (۱۰۰٪)؛ ۲. تزئینات نسبتاً هندسی معماری نئوکلاسیک (۵۰٪)؛ ۳. نقوش متقارن نئوکلاسیک (۱۰۰٪)؛ ۴. استفاده از تصویر موجودات ذی‌روح (۱۰۰٪)؛ ۵. استفاده از تکرنگ سفید (رایج در سبک نئوکلاسیک) (۱۰۰٪). میانگین: (۱۰۰٪).

• عناصر معماری: ۱. ستون‌ها و سرستون‌های یونانی (۱۰۰٪)؛ ۲. پنجره‌ها و درهای هلالی و دسته‌زنبیلی (۱۰۰٪)؛ ۳. قوس‌های نیم‌دایره و دسته‌زنبیلی (۱۰۰٪)؛ ۴. راه‌پله تشریفاتی با دست‌اندازهای تزئینی (۱۰۰٪)؛ ۵. بام دارای پوشش شیروانی (۱۰۰٪)؛ ۶. شومینه‌های غربی (۱۰۰٪). میانگین: (۱۰۰٪).

• مصالح و سازه: ۱. استفاده از آهن سفید در پوشش بام (سقف شیروانی) (۱۰۰٪)؛ ۲. استفاده از خشت، آجر و چوب در سازه بنا (۱۰۰٪)؛ ۳. پنجره‌ها، درها و نرده‌های چوبی و فلزی (۵۰٪). میانگین: (۵۰٪).
• منبع الهام: معماری غرب (Fauvriert, ۲۰۰۶, ۱۱۳). میانگین: (۱۰۰٪).

۸. تحلیل و جمع‌بندی

با توصیف و تحلیل شاخصه‌های کاخ‌های قاجاری و بر پایه میزان مشاهده مصادیق استخراج‌شده معماری سنتی ایران و معماری غرب در ساختار معماری و تزئینات آنها می‌توان نسبت به تشکیل جدول مربوط به درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در این بناها اقدام کرد (جدول ۴).

بر اساس نتایج به دست آمده از مقایسه تطبیقی شاخصه‌های نمونه‌های موردی کاخ‌های دوره قاجار در جدول ۴ می‌توان نسبت به تشکیل نمودار درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های برجسته قاجاری اقدام کرد (شکل ۲).

این نمودار مبین نتایج قابل توجهی است که از میان آنها موارد ذیل جلب توجه می‌نماید:
۱- تزئینات، عناصر معماری و نظام گردشی موجود در بناهای بررسی شده در بالاترین سطح نمودار «درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های برجسته قاجاری» قرار دارد.

۲- مصالح و سازه استفاده شده در بناهای بررسی شده با اختلاف قابل توجهی در پایین‌ترین سطح نمودار «درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های برجسته قاجاری» قرار دارد.
۳- پلان و حجم، نما و مقطع و منبع الهام بناهای بررسی شده با نسبتی نزدیک به یکدیگر در سطح میانی نمودار «درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های برجسته قاجاری» قرار دارند.

همان گونه که مشاهده می‌شود تزئینات و عناصر معماری موجود در این بناها پذیرای دامنه وسیع‌تری از نفوذ معماری غرب بوده است. علت این امر می‌تواند این باشد که شاهان قاجاری در جستجوی کسب معماری به ظاهر پیشرفته و متمدن غرب راحت‌ترین راه را برگزیده و برای پوشاندن هرچه بیشتر ضعف خود به سمت عرضه نمودن شکوه و جلال ظواهر گرایش یافته‌اند. در همین راستا قرار گرفتن شاخصه مصالح و سازه در پایین‌ترین سطح این نمودار نیز تاییدکننده ضعف دولت قاجار در هماهنگی با وضعیت نوین جهانی و بهره‌گیری از دستاوردهای اصلی معماری غرب است. به عبارتی دیگر، دولت قاجار در مسیر هماهنگی با شرایط نوین جهانی خواهان تغییر و تحول بنیادین در معماری ایران نبود. ضعف موجود در نظام سیاسی و اجتماعی این دوره و دوری ایرانیان از بنیادهای

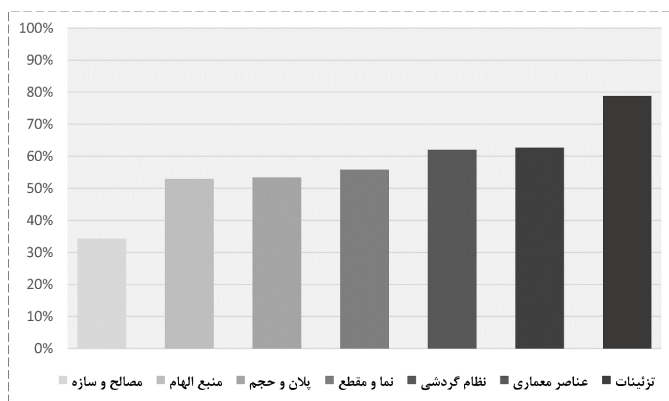
جدول ۴. درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های قاجاری بر اساس جدول ۱ و ۲ و اتکاء بر پیشینه تحقیق و مطالعات میدانی؛ مأخذ: نگارنده.

دوره	شاخصه‌ها		پلان و حجم (درصد)	نظام گردش (درصد)	نما و مقطع (درصد)	تزیینات (درصد)	عناصر معماری (درصد)	مصالح و سازه (درصد)	منبع الهام (درصد)	میانگین بنا (درصد)
	نام/بنا/سال احداث	مرمر								
پیش از ناصری	ایوان تخت مرمر	۱۷۹۲	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۸/۵۷
	کاخ خان شکی	۱۷۹۷	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۸/۵۷
	قصر قاجار	۱۷۹۸	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۸/۵۷
	عمارت خروج	۱۸۰۱	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۸/۵۷
اوایل و میانه دوره ناصری	عمارت بادگیر	۱۸۱۳	۰	۰	۱۰	۶۰	۴۱/۶۶	۰	۰	۱۵/۹۵
	شمس‌العماره	۱۸۶۵-۶۸	۵۰	۶۶/۶۶	۵۰	۷۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۵/۳۳
	کاخ سپهسالار	۱۸۷۴	۵۰	۶۶/۶۶	۵۰	۷۰	۵۸/۳۳	۵۰	۵۰	۵۶/۳۳
	کاخ گلستان	۱۸۷۴-۷۷	۶۶/۶۶	۶۶/۶۶	۷۰	۷۰	۷۵	۵۰	۵۰	۶۴/۰۴
اواخر ناصری	عمارت دیوان‌خانه	۱۸۷۴-۷۸	۶۶/۶۶	۸۸/۳۳	۷۰	۸۰	۹۱/۶۶	۳۳/۳۳	۵۰	۶۸/۵۶
	کاخ صاحبقرانیه	۱۸۵۱-۸۰	۵۸/۳۳	۶۶/۶۶	۷۰	۷۰	۸۲/۳۳	۳۳/۳۳	۵۰	۶۱/۶۶
	کاخ شهرستانک	۱۸۸۰-۸۱	۶۶/۶۶	۱۰۰	۷۰	۸۰	۸۲/۳۳	۳۳/۳۳	۵۰	۶۹/۰۴
	قصر یاقوت	۱۸۸۲-۸۴	۸۳/۳۳	۱۰۰	۸۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۳/۳۳	۱۰۰	۸۵/۳۳
پس از ناصری	عمارت خوابگاه	۱۸۸۵-۸۶	۹۱/۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۳/۳۳	۱۰۰	۸۹/۲۸
	کاخ ایض	۱۸۸۹-۹۱	۹۱/۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۶/۶۶	۱۰۰	۹۴/۰۴
	کاخ ملیجک	۱۸۹۵	۹۱/۶۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۶/۶۶	۱۰۰	۹۴/۰۴
پس از ناصری	کاخ دارآباد	۱۹۰۲	۹۱/۶۶	۱۰۰	۸۰	۱۰۰	۸۳/۳۳	۶۶/۶۶	۱۰۰	۸۸/۸۰
	کاخ فرح آباد	۱۹۰۳-۰۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۶/۶۶	۱۰۰	۹۵/۳۳
میانگین شاخصه			۵۳/۴۲	۶۲/۰۵	۵۵/۸۸	۷۸/۸۲	۶۲/۷۴	۳۳/۳۱	۵۲/۹۴	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

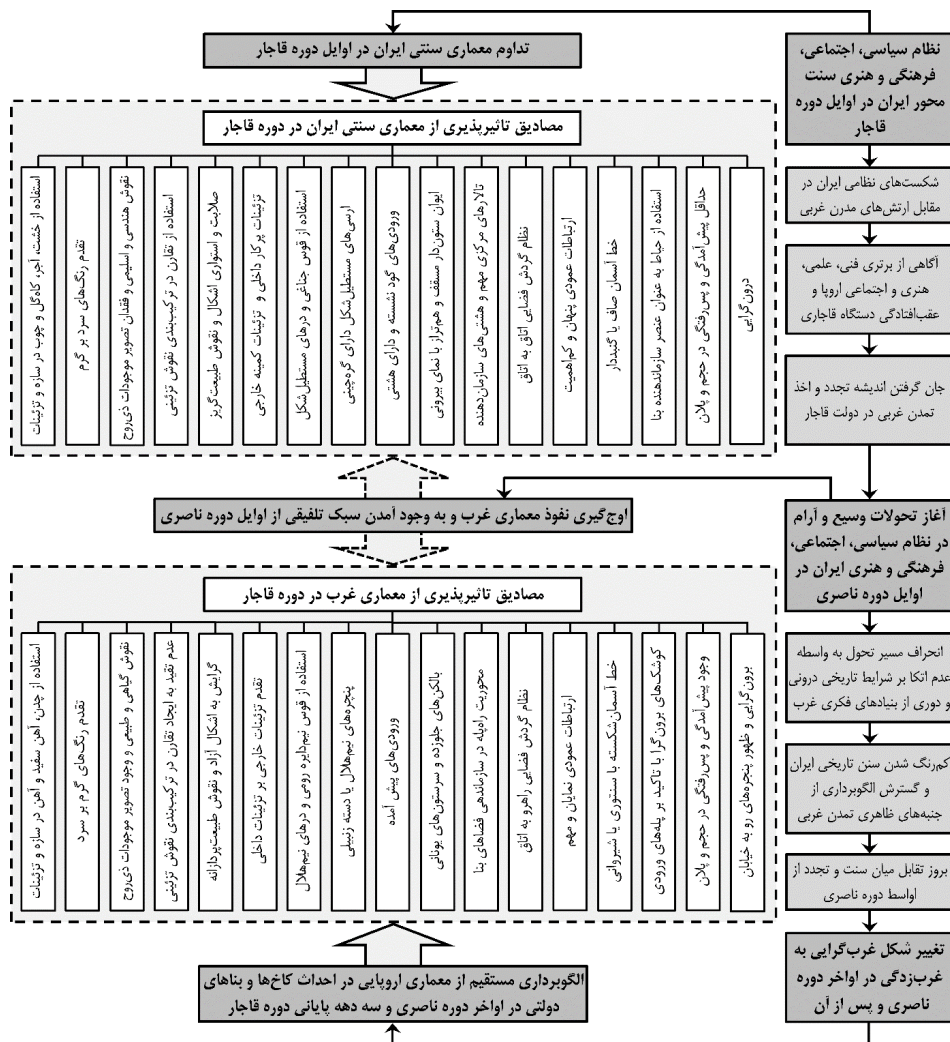
۱۹۳



شکل ۳. نمودار «درصد نسبی تجلی مصادیق معماری غرب در شاخصه‌های کاخ‌های برجسته قاجاری»؛ مأخذ: نگارنده.

فکری غرب امکان بهره‌گیری بهینه از دستاوردهای تمدن غربی را فراهم نمی‌ساخت. ماحصل این اوضاع و احوال تقلید شتاب‌زده از مظاهر تمدن غربی و تضعیف سنت‌های ایرانی بود. به توپ بسته شدن مجلس در دوران حکومت محمدعلی شاه شاید مصداق خوبی برای بیان این وضعیت باشد. بدین صورت که دولت در الگوبرداری از تمدن غربی اقدام به تاسیس مجلس شورای ملی کرد؛ لیکن هنگامی که معلوم شد این الگوبرداری اولیه در نهایت منجر به کاسته شدن قدرت پادشاه می‌شود بنای مجلس به توپ بسته شد. به واقع در ساختار دولت قاجار عزم و برنامه مدونی برای الگوبرداری بنیادین از پیشرفت‌های تمدن غربی موجود نبود و هنگامی که این الگوبرداری نیازمند تغییر و تحول بنیادین در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران بود تمایل چندانی به آن وجود نداشت. شاید اگر اولویت و تاکید دولت

فکری غرب امکان بهره‌گیری بهینه از دستاوردهای تمدن غربی را فراهم نمی‌ساخت. ماحصل این اوضاع و احوال تقلید شتاب‌زده از مظاهر تمدن غربی و تضعیف سنت‌های ایرانی بود. به توپ بسته شدن مجلس در دوران حکومت محمدعلی شاه شاید مصداق خوبی برای بیان این وضعیت باشد. بدین صورت که دولت در الگوبرداری از تمدن غربی اقدام به تاسیس مجلس شورای ملی کرد؛ لیکن هنگامی که معلوم شد این الگوبرداری اولیه در نهایت منجر به کاسته شدن قدرت پادشاه می‌شود بنای مجلس به توپ بسته شد. به واقع در ساختار دولت قاجار عزم و برنامه مدونی برای الگوبرداری بنیادین از پیشرفت‌های تمدن غربی موجود نبود و هنگامی که این الگوبرداری نیازمند تغییر و تحول بنیادین در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران بود تمایل چندانی به آن وجود نداشت. شاید اگر اولویت و تاکید دولت



شکل ۵. روند انجام تحولات و گرایش به تمدن غرب در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار و تاثیر آن بر معماری این دوره؛ مأخذ: نگارنده.

روند گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار، که خود نشانی دقیق از سیر معماری ایران در این دوره دارد، بی‌تردید نشأت گرفته از حرکات شتاب‌زده و مقطعی دولت قاجار برای جبران عقب‌افتادگی و ضعف آنان در برابر برتری‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی جهان غرب است. بدیهی است که اندیشه تجدید و اخذ برتری‌های تمدن غربی به خودی خود امری لازم و ضروری برای نظام زیستی قاجار می‌نمود؛ اما هنگامی که این تلاش‌های تجددمآبانه، بیش از آنکه تاکید بر کشف علت و راز و رمز چیرگی جهان غرب و ترمیم زیرساخت‌های سنتی ایران داشته باشد، در مسیر اخذ معلول‌ها و محصولات آن تمدن پیش رفت، تحول موجود دچار انحراف شد و به عنوان رقیبی قدرتمند در برابر سنن و ارزش‌های تاریخی ایران مطرح گردید. رکود حاکم بر فضای سیاسی و اقتصادی این دوره از سویی و کارایی بهتر شیوه‌های غربی از سویی دیگر تقابل میان سنت و تجدید و شیفتگی و گرایش به تمدن غربی را روز به روز بیشتر می‌کرد و دولت قاجار که خود را نه دارای استغناء و اقتدار حکومت‌های پیشین می‌دید و نه علاقمند و توانا به تغییر و تحول بنیادین در ساختار سنتی کشور، در انتخابی مبتنی بر احساس و فارغ

از اندیشمندی بر اخذ سهل‌الوصول‌تر مظاهر تمدن غربی اصرار بیشتری می‌ورزید. ماحصل این نگرش گسترش غریزدگی در بطن جامعه و امتداد آن در تمامی امور فرهنگی و هنری، به خصوص در معماری بناهای سلطنتی، و تضعیف پرشتاب سنن تاریخی معماری ایران بود (شکل ۴).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

ناتوانی دولت قاجار در رویایی با تحولات دارای منشأ خارجی انگیزه و عزم اولیه ایجاد تغییرات و الگوبرداری از تمدن غربی را در فضای سنتی جامعه ایران فراهم آورد. معماری قاجار نیز از این قائده مستثنی نبود و با شروع دوره ناصری ساختمان‌هایی به سبک تلفیقی در معماری ایران ظهور کرد. در این میان کاخ‌های قاجاری جزء اولین بناهایی بودند که عناصر و تزئینات معماری غرب را به عنوان سوغاتی از فرنگ در کالبد خود جای دادند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که کاخ‌های قاجاری در مسیر الگوبرداری از معماری غرب به ترتیب سه مرحله و دوره زمانی قابل تفکیک «پیش از ناصری»، «اوایل و اواسط ناصری» و «اواخر و پس از ناصری» را طی کرده‌اند. دوره اول، دوران تداوم سنت‌های معماری ایران با برخی الگوبرداری‌های قابل تأمل در تزئینات؛ دوره دوم، دوران تلفیق نسبتاً پایاپای معماری سنتی ایران با معماری غرب؛ دوره سوم، دوران غلبه معماری غرب و جایگزینی آن به جای معماری سنتی ایران. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سفرهای سه‌گانه ناصرالدین شاه به اروپا را می‌توان نقاط عطف اوج‌گیری گرایش به معماری غرب در کاخ‌های قاجاری قلمداد کرد. به خصوص که کاخ‌های احداث‌شده در بازه زمانی پس از سفر دوم وی دارای هویت تمام عیار غربی هستند. این امر، که به نوبه خود نشان‌دهنده وابستگی روند گرایش به معماری غرب بر تفسیر شخصی شاه نسبت به مفهوم تجدد و تاییدی بر نقش کم‌رنگ عوامل تاریخی درونی و نقش پررنگ عوامل سطحی بیرونی در انجام تحول در معماری قاجار است، شاید یکی از دلایل اصلی

انحراف مسیر تجدد در معماری ایران باشد. در میان شاخصه‌های بررسی‌شده‌ی کاخ‌های قاجار تزئینات و عناصر معماری دارای بیشترین و مصالح و سازه دارای کمترین میزان تأثیرپذیری از معماری غرب هستند. به نظر می‌رسد که دولت قاجار در مسیر اخذ معماری غرب، به منظور پوشاندن هرچه بیشتر ضعف خود و ارائه تصویری به ظاهر متجدد از ساختار حکومتی خود، به سمت عرضه نمودن شکوه و جلال ظواهر گرایش یافته و از انجام اصلاحات بنیادی متناسب با تکنولوژی پیشرفته‌تر معماری غرب صرف‌نظر کرده است. این رویکرد نسبتاً سطحی که اساساً نمی‌توانست بنیان‌گذار و خالق مکتبی ماندگار و اصیل در معماری ایران باشد در اواخر دوره ناصری به اوج خود می‌رسد و بدون آنکه دغدغه‌ای در راستای تکامل الگوهای قدیمی معماری ایران و بهره‌گیری از فنون و تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر اجرایی معماری غرب داشته باشد، موجب پدید آمدن کاخ‌ها و بناهای حکومتی کاملاً بیگانه و نامانوس در معماری ایران می‌شود.

فهرست مراجع

- اعتصام، ایرج (۱۳۷۴)، بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا، در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد سوم، ۱۱۰-۸۹)، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- افشار اصل، مهدی؛ خسروی، محمد باقر (۱۳۷۷)، معماری ایران در دوره قاجار، هنر، ۱۸ (۳۶)، ۱۳۸-۱۲۲.
- انصاری، جمال (۱۳۶۶)، گچبری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی، هنر، ۱۳، ۳۷۳-۳۱۸.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۳)، نخستین پژواک مدرنیته در ایران، گفتگو، ۲ (۳)، ۱۵۲-۱۳۸.
- زابلی نژاد، هدی (۱۳۸۷)، بررسی نقوش اصیل قاجاری، هنر، ۲۸ (۷۸)، ۱۶۹-۱۴۰.
- فرهمند، جلال (۱۳۸۵)، قصور قاجار، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ۱۰ (۳۷)، ۲۷۰-۲۴۵.
- محمدی، مریم؛ نیستانی، جواد؛ موسوی کوهپیر،

- Naghibzadeh, A. (2004), The Process of Political Development in Iran and Turkey: A Comparative Study, *Discourse: An Iranian Quarterly*, 6(1), 21-36.
- Nazif, H. (2013), The Sustainability of Iranian Architectural Elements Throughout the Islamic Era, *Bagh-E Nazar*, 10 (24), 57-68.
- Pirnia, M. K. (2010), *The Stylistics of Iranian Architecture*, Tehran: Soroush-e Danesh.
- Pope, A. U. (1965), *Persian Architecture*, New York: George Braziller.
- Ramezan Jamaat, M., & Neyestani, J. (2012), The Manifestations of Modernity and Tradition in the Entrance Spaces of Houses in Tehran in Qajar Era, *Honar-ha-ye Ziba*, 2(44), 65-75.
- Sajadi, F., Rostami, m., & Rostami, S. (2014), Historic Roots of the Challenge of Tradition and Modernity in Contemporary Architecture of Qajar Era, *Naqshejahan*, 4(2), 76-85.
- Ziari, R., Ziari, K., Abdoli, M. R., & Ziari, S. (2014), The Comparative Study Of Formation And Spread of Isfahan School And Tehran Style In Urban Space, *Naqshejahan*, 4(1), 37-45.
- Zoka, Y. (1970), *History of the Buildings at the Arg*, Tehran, Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
- سید مهدی؛ هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۹۰)، مطالعه‌ی گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی، نامه باستان‌شناسی، ۱ (۱)، ۸۳-۱۰۴.
- نصیری انصاری، محمود (۱۳۵۰)، سیری در معماری ایران، تهران: هنرسرای عالی.
- Ansari, J. (2010), *Art & Architecture of Iran*, Tehran: Sobhan-e Noor.
- Bani Masoud, A. (2011), *Iranian Contemporary Architecture*, (2nd ed.), Tehran: Honar-e Memari.
- Diba, L. S. (1999), Images of Power and the Power of Images, *Iran Nameh*, 17(3), 423-452.
- Fatullayev, S. (2013), *Qacarlar Dövründ İranda Şhrsalma v Memarlığın İnkişafı*, Baku: Şarq-Qarb.
- Fauvriar, J. (2006), *Trois ans a'la cour perse*, (A. Eqbal Ashtiyani, Trans.), Tehran: Nashr-e Alam.
- Ghanbari, A. (2000), Iran and the First Wave of Modernity, *Political Sciences*, 3(12), 115-143.
- Ghobadian, V. (2004), *Architecture of Tehran During Naseredin Shah Period (Tradition and Modernity in the Contemporary Architecture of Tehran)*, Tehran: pashootan.
- Groat, L., & Wang, D. (2005), *Architectural Research Methods*, (A. R. Eynifar, Trans.), Tehran: University of Tehran Press.
- Kateb-e Valiankoh, F. (1998), *Iran Domestic Architecture: During Qajar Period*, Unpublished doctoral dissertation, University of Central England in Birmingham, Birmingham.
- Khasto, R. (2007), *The First Generation of Iranian Intellectuals and the Political Modernity*, *Political Sciences Quarterly*, 4(6), 67-102.
- Kiani, M. Y. (2014), *Iranian Architecture of the Islamic Period*, Tehran: Samt.
- Meskoob, Sh. (1999), On the History of Qajar Painting, *Iran Nameh*, 17 (67), 405-422.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۱۹۸ ■